



The Essence and Concept of Legitimate Freedom in the Iranian Legal System

Ghodsieh Malekian Naeeni*

Abstract

The Islamic Republic of Iran. The core issue lies in the conceptual ambiguity surrounding legitimate freedom and its relationship with rights, duties, and legal constraints. Adopting a descriptive-analytical approach, this study examines the Constitution, statutory laws, jurisprudence, judicial precedents, and legal doctrine to investigate the foundations of this concept. The findings indicate that legitimate freedom does not imply “restricted freedom,” but rather signifies “protected and safeguarded freedom” against illegal interference. In the Iranian legal system, the freedoms recognized by the Constitution and other legal sources are inherently categorized as legitimate freedoms. Although freedom is an inherent and fundamental right, its exercise entails the duty to respect the rights of others. In instances of conflict between freedoms, Article 40 of the Constitution and the “no-harm principle” (prohibition of harm to others) serve as the key criteria for resolving disputes and defining the boundaries of these liberties. The research concludes that legitimate freedom is a comprehensive concept that extends beyond the scope of criminal law and should be interpreted within the broader framework of the Iranian legal system.

Keywords: Legitimate Freedom, Iranian Legal System, Constitutional Rights, Rights and Duties, No-Harm Principle.

* Ph.D. student in Oil and Gas Law, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran.

malekian1983@gmail.com

0009-0005-0332-4689

چیستی و مفهوم آزادی مشروع در نظام حقوقی ایران

قدسیه ملکیان نائینی*

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین مفهوم «آزادی مشروع» و بررسی جایگاه آن در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران انجام شده است. مسئله اصلی پژوهش، ابهام مفهومی در معنای آزادی مشروع و نسبت آن با حق، تکلیف و حدود قانونی آزادی‌هاست. این پژوهش با روش توصیفی – تحلیلی و با تکیه بر اصول قانون اساسی، قوانین عادی، منابع فقهی، رویه قضائی و دکترین حقوقی، ابعاد مختلف این مفهوم را واکاوی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آزادی مشروع صرفاً به معنای آزادی محدودشده نیست بلکه به معنای آزادی صیانت‌شده و مصون از مداخله غیرقانونی است. در نظام حقوقی ایران، آزادی‌های به رسمیت شناخته‌شده در قانون اساسی و سایر منابع معتبر حقوقی، در زمره آزادی‌های مشروع قرار می‌گیرند. هرچند آزادی از حقوق بنیادین انسان است؛ اما اعمال آن باید با رعایت حقوق دیگران و در چهارچوب قانون همراه باشد. در موارد تراحم آزادی‌ها، اصل ۴۰ قانون اساسی و قاعده منع اضرار به غیر از مهم‌ترین معیارهای حل تعارض و تعیین حدود آزادی محسوب می‌شوند. در نتیجه، آزادی مشروع مفهومی جامع و فراتر از محدودیت‌های صرف کیفری دارد و باید در چهارچوب کلی نظام حقوقی ایران تفسیر شود.

واژگان کلیدی: آزادی مشروع، نظام حقوقی ایران، حقوق اساسی، حق و تکلیف، قاعده منع اضرار به غیر.

* دانشجوی دکتری حقوق نفت و گاز، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

مقدمه

آزادی از بنیادی‌ترین مفاهیم حقوقی، فلسفی و اجتماعی است که همواره در مرکز توجه اندیشه‌های مختلف قرار داشته است. این مفهوم از یک‌سو با اراده، اختیار و امکان کنش انسان پیوند دارد و از سوی دیگر، به سبب ارتباط مستقیم با نظم عمومی، قانون و حقوق دیگران، ناگزیر نیازمند تعیین حدود و ضوابط است. از همین رو، آزادی در نظام‌های حقوقی نه به صورت امری مطلق و رها، بلکه در چهارچوبی قابل تعیین و قابل حمایت بررسی می‌شود. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، این بحث در قالب «آزادی مشروع» اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا این مفهوم ناظر به آزادی‌ای است که هم به رسمیت شناخته شده و هم از تعرض‌های غیرقانونی مصون می‌ماند.

مسئله اصلی این پژوهش، ابهام در مفهوم آزادی مشروع و نسبت آن با حق، تکلیف، قانون و حدود اعمال آزادی است. با وجود کاربرد این اصطلاح در ادبیات حقوقی و فقهی، تعریف دقیق و منسجم آن همچنان روشن نیست و همین امر موجب اختلاف در تحلیل قلمرو و آثار آن شده است. افزون‌براین، این پرسش مطرح است که آزادی مشروع در نظام حقوقی ایران آیا صرفاً به معنای محدودسازی آزادی است یا باید آن را به عنوان آزادی صیانت‌شده و مورد حمایت حقوقی فهم کرد.

هدف اصلی مقاله، تبیین مفهوم آزادی مشروع و روشن‌سازی جایگاه آن در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران است. این پژوهش می‌کوشد نشان دهد که آزادی مشروع چگونه در پرتو اصول قانون اساسی، قواعد فقهی، قوانین عادی و رویه حقوقی قابل فهم است و چه نسبتی با حق و تکلیف دارد. براین اساس، مقاله حاضر در پی آن است که آزادی مشروع را نه به مثابه قید و محدودیت آزادی، بلکه به عنوان سازوکار صیانت و حمایت از آن تحلیل کند.

پرسش اصلی پژوهش این است که آزادی مشروع چه مفهومی دارد؟ پرسش‌های فرعی نیز عبارت‌اند از: نظام حقوقی چه تعریفی از آزادی ارائه می‌دهد؟ و آزادی مشروع در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران چگونه قابل تبیین است؟ بر پایه این پرسش‌ها، فرضیه اصلی پژوهش آن است که آزادی مشروع به معنای آزادی صیانت‌شده و مورد حمایت قانون است، نه صرفاً آزادی محدودشده. همچنین فرضیه فرعی مقاله آن است که تبیین آزادی مشروع در نظام حقوقی ایران بدون توجه هم‌زمان به اصول قانون

اساسی، مبانی فقهی و قاعده منع اضرار به غیر کامل نخواهد بود. در پیشینه‌های نظری و علمی مرتبط با آزادی، دیدگاه‌های متنوعی مطرح شده است. برخی اندیشمندان آزادی را در معنای رهایی از مانع بیرونی و برخی دیگر آن را در پیوند با خودفرمانی، مسئولیت و کرامت انسانی تحلیل کرده‌اند. در اندیشه اسلامی نیز آزادی غالباً در چهارچوب شریعت، عدالت و حقوق دیگران تبیین شده است. با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که مفهوم «آزادی مشروع» به صورت مستقل و منسجم کمتر مورد واکاوی قرار گرفته و بیش‌تر در ضمن مباحث کلی آزادی یا حقوق اساسی مطرح شده است. از این رو، این پژوهش می‌کوشد با تمرکز بر این خلأ، تصویری روشن و منسجم از مفهوم و جایگاه آزادی مشروع در نظام حقوقی ایران ارائه کند.

۱. مفهوم آزادی

مفهوم آزادی، دستخوش رویکرد فلسفی، سیاسی و جامعه‌شناختی بوده است که در طیف محدودیت مطلق و رهایی کامل بحث می‌شده است. به نظر می‌رسد قائلین به مفهوم رهایی از آزادی تلاش خود را در بسترسازی برای کم رنگ کردن محدودیت برای آزادی می‌دانند و در طرف مقابل هم هدف خود را بسترسازی برای ایجاد چهارچوب ریشه‌دار و محکم برای آزادی می‌دانند. این موضوع سبب شده است که مفهوم و چیستی آزادی مشروع علی‌رغم سال‌ها بحث و دهه‌ها و قرن‌ها استدلال در این خصوص هنوز محل تأمل قرار گیرد.

از منظر امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) آزادی یک مسئله‌ای نیست که تعریف داشته باشد. مردم عقیده شان آزاد است. کسی الزامشان نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید. کسی الزام به شما نمی‌کند که حتماً باید این راه را بروید. کسی الزام به شما نمی‌کند که باید این را انتخاب کنی... آزادی یک چیز واضحی است (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص. ۹۴). آزادی بیان و عقیده، آزادی مطبوعات، آزادی احزاب، آزادی اقلیت‌ها، آزادی حق رأی و آزادی زنان در اندیشه امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) صراحتاً وجود دارد که البته ریشه الهی و وحیانی داشته و متغیر آن از جمله قلمرو، محدوده، ابعاد و حد مجاز آن بر اساس قوانین الهی است (عسگری، ۱۴۰۰، ص. ۹۵).

به لحاظ اینکه آزادی را می‌توان یکی از مؤلفه‌های مهم حکومت مشروع دانست، می‌توان نظرات آیت‌الله نائینی و کارل پوپر^۱ را در این زمینه مقایسه نمود. مهم‌ترین وجه آزادی از نگاه آیت‌الله نائینی، رهایی از بند اسارت سلاطین است درحالی‌که کارل پوپر حفظ و حراست از آزادی فردی شهروندان را وظیفه دولت دموکراتیک می‌داند. نائینی با اینکه با بندگی و بردگی انسان‌ها توسط فرمانروایان مخالف بوده و معتقد است خداوند انسان را آزاد آفریده به‌طوری‌که نباید تحت ستم حاکمان مستبد باشد، ولی به آزادی فردی مانند پوپر تأکیدی ندارد. وی با توسل به آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام)، تسلیم‌شدن یا مقهوریت مردم در برابر حکومت ستمگر یا همان عبودیت و بندگی را نقطه مقابل رهایی و آزادگی توصیف نموده و انسان‌ها را از این بندگی و عبودیت نهی کرده و پیروان دین اسلام را به خلاصی و رهایی از این ذلت اسارت و بندگی ترغیب نموده است (جلیل‌فر، کاوه پیش‌قدم و حقیقت، ۱۴۰۳، ص. ۳۴۲). به نظر می‌رسد این دو اندیشمند بزرگ نیز علی‌رغم تفاوت‌هایی در نظریات خود، سازگاری‌هایی نیز در بُعد نظری داشته و تفاوت‌ها ناشی از ساحت بحث است. هر دو اندیشمند مخالف مقهوریت در برابر حکومت ستمگر بوده و نگران آزادی می‌باشند؛ لیکن آزادی فردی و یا نگاه جمعی به امت وجه تمایز این دو بوده است.

در بررسی مفهوم آزادی گریزی از اشاره به اندیشه آیزایا برلین^۲ نیست. وی این مفهوم را با آزادی مثبت و آزادی منفی بررسی می‌نماید. آزادی منفی (آزادی از) به معنای تحمیل‌نشدن مانع و محدودیت از ناحیه دیگران است و آزادی مثبت (آزادی برای) از سویی به معنای توان (و نه فقط امکان) تعقیب و رسیدن به هدف و ازسوی دیگر به معنای استقلال یا خودفرمانی در مقابل وابستگی به دیگران است (مشکات و فاضلی، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۶). آزادی منفی تحدید و تعدیل قدرت را می‌جوید و تلاش می‌کند محدوده عمل افراد مورد دخالت واقع نشود و آزادی مثبت راهبری و جهت‌دهی به افکار و اعمال افراد بدون دخالت را تضمین می‌نماید.

آزادی سیاسی یک نوع آزادی بسیار مهم باید در نظر گرفته شود و به‌عنوان نمونه‌ای از آزادی منفی شناخته شود. شاخص کلی آزادی سیاسی، هم از لحاظ نظری و هم از

1. Karl Popper

2. Isaiah Berlin

لحاظ عملی آزادی اعمال حقوق سیاسی در چهارچوب مرزها بدون ممانعت و دخالت است (Illarionov, 2012).

اندیشمندان و فلاسفه محقق در مفهوم آزادی هیچ‌گاه به رهایی کامل معتقد نبوده‌اند و شأن انسان را در زندگی فردی و جمعی همواره نیازمند داشتن سمت و سو می‌دانستند که در این خصوص آرای متفاوتی ظاهراً حاصل شده است.

۲. حق و تکلیف - حق یا وسیله

در گام اول بررسی رابطه حق و تکلیف در نظام حقوقی ایران مورد تأمل است. بررسی این رابطه و زن مفهوم آزادی مشروع را در خصوص مفهوم حق و تکلیف مستتر در آن مشخص می‌نماید. به نظر می‌رسد با عنایت به پژوهش‌های صورت گرفته، در این خصوص حداقلی از قطعیت وجود دارد به این شرح که برخی اندیشمندان و فلاسفه غربی، حق و تکلیف را تفکیک نموده‌اند و درمقابل اندیشمندان اسلامی قائل به ملازمه حق و تکلیف می‌باشند (محمدی، رحیمی روشن و حاتمی، ۱۴۰۳، ص. ۱۴۶).

بر اساس اصل معروف لیبرال مشروعیت جان رالز^۳، اعمال قدرت سیاسی تنها در صورتی مشروع است که برای همه شهروندان قابل توجیه باشد. در این دیدگاه، توجیه‌پذیری برای شهروندان یک الزام ضروری برای دولت است. مشروعیت و همچنین مشروعیت اقدامات انجام‌شده توسط یک دولت و اعمال قدرت سیاسی باید برای شهروندان قابل توجیه باشد یعنی مشروعیت سیاسی در یک جامعه خاص به توجیه‌پذیری اعضای آن جامعه بستگی دارد (Andersson, 2022, p. 592).

این نگاه ریشه در مادی‌نگری به موضوع دارد که دنیای غرب در پی سود حداکثری است و لیکن الهیات حاکم بر مفهوم آزادی این نوع نگاه را برنمی‌تابد و رستگاری را می‌طلبد و تلاش می‌کند انسان در چهارچوب آزادی باعث ضرر مادی و معنوی به‌خود و دیگران نباشد.

گام دوم موضوع ملازمه حق با تکلیف در برابر دیگران است به این معنا که اشخاص در برابر حقوق دیگران دارای تکلیف می‌باشند و در این صورت این پرسش مطرح می‌باشد که در نظام حقوقی ایران آزادی دیگران چگونه محافظت می‌شود؟

بررسی رابطه میان حق و تکلیف از منظر تأثیر احتمالی آن بر مفهوم آزادی مشروع است؛ به این معنا که آیا ملازمه حق و تکلیف به معنای تأثیر بر مفهوم آزادی می‌باشد و آزادی مشروع به معنای تکلیف در برابر حق آزادی خواهد بود یا خیر؟ این تکلیف می‌تواند هم در خصوص خود فرد در نظر گرفته شود و هم در ارتباط با تکلیف فرد در برابر دیگران. آیا آزادی مشروع در برابر اصیل و دیگران دارای قیودی خواهد بود؟

۳. آزادی مشروع

در تمام جوامع خلقت از ابتدا تاکنون بر حسب شعور انسان‌ها همیشه بر آزادی و حقوق شهروندان تأکید شده است؛ اما از زمانی که بشر برای زندگی بهتر حکومت و کشور تشکیل داد و قبول نمود که از بخشی از آزادی مطلق خود دست بکشد، این حکومت بود که بر اساس بینش مذهبی و سیاست خود آزادی را در قالب قواعد حقوقی مطرح و سعی می‌نمود از آن دفاع کند (اعزازی و احمدی‌فر، ۱۴۰۲، ص. ۷۵). با پذیرش اینکه، آزادی دارای کرانه بوده و نیازمند راهبری است، بحث اصلی آغاز می‌گردد که اساساً این حد و مرز و کرانه چگونه تعریف می‌گردد و آزادی مشروع به چه معنا است؟ معنای آزادی مشروع در فضای ذهنی جامعه و مردم نیز دارای اهمیت است. مفهوم آزادی مشروع از دو زاویه قابل بررسی و وزن‌دهی است. مشروع بودن آزادی با این نگاه که آزادی مطابق شرع و سازگار با قانون است و هر آنچه به‌عنوان آزادی از آن یاد می‌شود مشروعیت لازم را دارد، در حصار قانون است و تلاش مضاعفی جهت حفظ آن لازم نیست و از زاویه دیگر اینکه آزادی، حفاظت شده و غیرقابل‌خدشه بوده و حفظ حریم آن لازم‌الرعایه می‌باشد و لازم است نگاه حمایتی مضاعفی وجود داشته باشد؛ البته صرف شناسایی و تدوین این حق‌ها، تنها گام اول در زمینه تحقق این حقوق است و لازم است در ادامه نهادها و سازوکارهای لازم جهت تسهیل تحقق و جلوگیری از تضییع این حقوق ایجاد نمود (غمامی، ۱۳۹۷، ص. ۲۴). آنچه عنوان مقاله در نظر داشته این است که هر آزادی که در نظام حقوقی ایران از آن یاد شده است، آزادی مشروع است و بحث اصلی در خصوص چیستی این آزادی مشروع می‌باشد و موضوع منصرف از حدود آزادی و تأمل در آزادی‌ها در نظام حقوقی ایران بوده است. درواقع هرآنچه قانون از آن به‌عنوان آزادی یاد نموده، مشروع است؛

یعنی هم سازگار با قانون است و هم در حصار قانون نگهداری می‌شود. آنچنان که جلال‌الدین فارسی از منتسکیو^۴ می‌گوید هیچ کلمه‌ای مانند آزادی تا این حد معانی مختلف را دربرنگرفته و هیچ لفظی به قدر آزادی، عواطف گوناگون را در قلب آدمی زنده نکرده است. و بالاخره با پژوهشی بی‌بدیل در معنای آزادی نهاییه می‌گوید که آزادی عبارت است از حق انجام آن چیزی که قانون روا داشته است؛ یعنی در جوامعی که به‌وسیله قانون اداره می‌شوند، آزادی قدرتی است که مردم به‌وسیله آن بتوانند آن چه باید بخواهند، بخواهند و انجام دهند و آنچه نباید بخواهند، مجبور به خواستن و انجامش نباشند (فارسی، ۱۳۸۲).

دین مبین اسلام نیز، همانند تمام مکاتب آزادی‌خواه برای بشر، کرامت و ارزش فراوانی متصور است و او را با مقام خلیفه الهی معرفی می‌کند که به معنای شناخت حقوق انسانی برای او در جامعه است. از جمله آیه ۷۰ سوره مبارکه اسراء: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اعزازی و احمدی‌فر، ۱۴۰۲، ص. ۷۶).

در اندیشه شیعی آزادی در سه مفهوم کلامی، اخلاقی و فقهی بحث می‌گردد. در مفهوم کلامی، اختیار در برابر جبر پذیرفته شده است. مفهوم اخلاقی را در سیره و احادیث می‌توان دریافت نمود آنجا که مولا امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «بنده دیگران مباش که خدا تو را آزاد آفریده است»، مفهوم اخلاقی و فقهی آزادی نیز هرچند دیوار به دیوار یکدیگر هستند؛ لیکن نسبت عموم و خصوص من وجه وجود دارد و البته رویکرد اصولی به‌عنوان اصل و اماره به آزادی نیز وجود دارد، به این معنا که اصل را در شرایط فقدان دلیل بر آزادی یا عدم آزادی جاری می‌دانند و در درجه اول اماره آزادی که از عمومات حریت در منابع شیعه تولید می‌گردد (فیرحی، ۱۳۹۰، ص. ۱۴۰). این وضعیت ناشی از بحث اصولی فقهی است و هدف از اشاره آن بود که علی‌رغم مصرحات در خصوص آزادی در فقه، حتی اگر تردیدی نیز حاصل شود، اصول فقه هم در مقام اصل و هم در مقام اماره به‌وجود آزادی رأی داده است. از طرف دیگر جهت بررسی مفهوم آزادی مشروع این موضوع قابل بررسی است که

آزادی حق است یا وسیله؟

اگر آزادی وسیله باشد، برای رسیدن به اهداف مشخصی است؛ بنابراین می‌توان برای رسیدن به اهداف مشخص از وسایل دیگری استفاده نمود و این ابزارها قابلیت جایگزینی دارند. در این خصوص آزادی اصالت و موضوعیت ندارد. اگر آزادی حق باشد، اصالت داشته و هدف است و این حق تا آنجا که حق دیگران را ضایع نکند، می‌توان استفاده نمود. در این حالت فقط عدالت می‌تواند آزادی را محدود نماید. اگر آزادی خارج از یک نظام حقوقی بحث شود، می‌تواند بسیار سریع تابع متغیرها باشد. مانند یک نظام ارزشی که می‌تواند با اوضاع و احوال نسبت به ارزش‌ها تغییر دیدگاه ایجاد نماید و این موضوع قابل تأمل است. می‌توان این موضوع را باور داشت که آزادی یک حق است و وسیله نیست؛ اما تنها حق آدمیان نیست و لازم است قواعدی در این خصوص رعایت شود. عدالت می‌تواند به‌عنوان مراعات مجموعه حقوق در نظر گرفته شود.

۴. چهارچوب نظام حقوقی ایران

گام سوم تعیین چهارچوب نظام حقوقی ایران است که منظور از نظام حقوقی ایران چیست؟ به نظر می‌رسد بحث منصرف از نوع نظام حقوقی ایران بوده و درواقع ناظر به اجزای تشکیل‌دهنده نظام حقوقی ایران است.

به نظر پیروان مکتب تحقیقی، نظام حقوقی عبارت از کشف و مطالعه قواعدی است که بر جامعه انسانی حکومت می‌کند، یعنی حقوق علم محض است و موضوع آن بررسی حوادث اجتماعی و سیر تاریخی و تحولات آنهاست. در ایجاد قواعد حقوقی تنها مشاهده و تجزیه و تحلیل امور اجتماعی دخالت ندارد، دولت نیز در هنر حکومت‌کردن و قانون‌گذاری از انگیزه دستیابی به هدف‌های خاص نیر الهام می‌گیرد. به‌علاوه قانون نمی‌تواند تمام وقایع را که در اجتماع رخ می‌دهد پیش‌بینی کند و خواه‌ناخواه، عالمان و مفسران باید قانون را تفسیر و قواعد آن را بر مصداق خارجی اجرا کنند. در راه هضم قاعده در بدنه نظام حقوقی، حقوق‌دان از آنچه موافق عدالت می‌بیند، پیروی می‌کند و عقاید اخلاقی مذهبی او در پرداخت و اجرای قانون تأثیر فراوان دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ص. ۲۳۵).

چهارچوب حقوقی فعالیت‌های بشری می‌تواند به صورت هدیه یا صدقه، قرارداد و اجبار تقسیم‌بندی گردد. قراردادهای می‌تواند با رضایت طرفین و یا قراردادهای تحمیلی اجتماعی باشد. مقررگذاری می‌تواند به صورت آزادی کامل، آزادی محدود شده و نهی و عدم مطلق وجود حق تقسیم‌بندی گردد (Illarionov, 2012).

درحقیقت مناسبات اجتماعی مستلزم تنظیم است که این امر به اشکال مختلفی صورت می‌گیرد و ازجمله آن نظام اخلاقی، آداب و رسوم، نظام دینی و مذهبی و نظام حقوقی می‌باشد. تفاوت نظام حقوقی با سایر نظام این است که این نظام مبتنی بر اقتدار حکومت است. نظام حقوقی در جمهوری اسلامی، نظام حقوقی نوشته‌ای است که عنصر اصلی آن قوانین است.

نظام حقوقی موجود در ایران که مبتنی بر فقه یا همان نظام حقوقی اسلامی است، از زمره نظام‌های حقوق نوشته است که قانون‌گذاری در آن نقش مهمی را ایفا می‌کند و عمده منابع الهام‌بخش وضع قوانین در آن را، منابع نظام حقوقی اسلامی تشکیل می‌دهند. به‌طورکلی منابع حقوق شامل قانون، عرف، رویه قضائی، دکترین، اعمال حقوقی، قواعد حقوقی و اصول کلی حقوقی می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ص. ۵۳۷)؛ البته نظام حقوق نوشته در موارد سکوت قانون، منابع فرعی مانند عرف و رویه قضائی هم بهره می‌گیرد، اما نه آنچنان که نظام‌های حقوقی غیر مکتوب یا عرفی از آن‌ها بهره می‌جویند. طبقه‌بندی قانون در نظام حقوقی ما شامل قانون اساسی، قوانین عادی و احکام و نظام‌نامه‌های قوه مجریه است. قوانین عادی نیز شامل مصوبات مجلس شورای اسلامی، عهدنامه‌های بین‌المللی و دخالت مستقیم مردم در تقنین از طریق رجوع به همه‌پرسی می‌باشد؛ بنابراین آزادی مشروع در نظام حقوقی ایران را می‌توان در منابع حقوق آن جستجو نمود. همچنان‌که اصول قانون اساسی می‌تواند، به آزادی مشروع اشاره نماید، این امر در قوانین عادی و ازجمله اسناد و عهدنامه‌های بین‌المللی که ایران وفق اصل ۷۷ قانون اساسی و ماده ۹ قانون مدنی به آن پیوسته است؛ ازجمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از این نوع است.

۵. آزادی مشروع در نظام حقوقی ایران

گام بعدی بررسی موضوع در نظام حقوقی ایران است که در این خصوص لازم است به قانون اساسی توجه گردد که عالی‌ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمای تنظیم سایر قوانین است؛ البته لازم به ذکر است در نظام حقوقی ایران از جهت افاده مفهومی حقوق افراد ملت، نوعی تشبیه مفهومی - الگوواره‌ای وجود دارد. در قانون اساسی مفاهیم متنوعی شامل حقوق ملت، حقوق انسانی، آزادی‌های مشروع، آزادی‌های فردی، اجتماعی و سیاسی و حقوق عامه مورد اشاره قرار گرفته که کم‌تر در قوانین عادی با بیان وضعی به آن پرداخته شده است (غمامی، ۱۳۹۷، ص. ۷۴).

در قانون اساسی، به‌ویژه فصل سوم تحت عنوان حقوق ملت و سایر فصول، اصول ذیل صراحتاً به انواعی از آزادی اشاره نموده است:

آزادی بیان، نشریات و مطبوعات در اصول ۲۴ و ۱۷۵، آزادی انتخاب شغل و کسب‌وکار در اصول ۲۸ و بند ۴ اصل ۴۳، آزادی محل اقامت و تابعیت در اصل ۳۳، حقوق و آزادی‌های مذاهب اسلامی غیرشیعی در اصل ۱۲، حقوق و آزادی‌های اقلیت‌های دینی در اصل ۱۳ و ۲۶، حقوق و آزادی اقوام و قبایل موجود در ایران در اصل ۱۵، آزادی ذکر و عقیده در اصل ۲۳، آزادی تجمع در اصل ۲۷. بدیهی است که منع شکنجه، منع تفتیش و هتک حرمت، اصل برائت، اصل قانونی‌بودن جرائم و مجازات‌ها، آموزش و پرورش رایگان، حقوق زنان، از اصول مشعشع قانون اساسی و آزادی‌های در نظر گرفته شده انسانی است.

درج این اصول در قانون اساسی، قطعاً به معنای مشروعیت این اصول و مفاد آن و از جمله آزادی‌های ذکر شده است. لازم است از این آزادی‌ها حفاظت شده و موجبات برخورداری افراد از آن فراهم شود. باین‌همه قوانین عادی نیز حول همین محورها وجود دارد؛ از جمله قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، قانون مطبوعات، آیین‌نامه چگونگی تأمین امنیت اجتماعات و راه‌پیمایی‌های قانونی.

۵-۱. چهارچوب آزادی مشروع

در هیچ‌یک از نظام‌های حقوقی آزادی مطلق وجود ندارد بلکه حق آزادی انسان‌ها محدودیت‌هایی دارد؛ زیرا در عمل این تجربه همواره وجود داشته است که هم افراد و

هم دولت با مداخله ناروا و تجاوزات خود، حق مذکور را مخدوش ساخته‌اند. همچنین آزادی انسان‌ها. توأم با مسئولیت است. در نظام جمهوری اسلامی ایران وفق بند ۶ اصل دوم قانون اساسی «آزادی توأم با مسئولیت در برابر خدا» به عنوان اصل محوری و ارزشی و یکی از پایه‌های ایمانی جمهوری اسلامی یاد شده است. اصل نهم قانون اساسی مقرر می‌دارد «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه دولت و آحاد ملت است... و هیچ مقامی حق ندارد... آزادی‌های مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند»؛ بنابراین اصل، تمام اداره کنندگان کشور، در اعمال حاکمیت خود، باید آنچنان رفتار کنند که به آزادی‌های مردم کم‌ترین لطمه‌ای وارد نشود (جعفری و بنادکیان، ۱۴۰۱، صص. ۳۴۵-۳۴۶).

آزادی مشروع در نظام حقوقی ایران بر مبنای ارزش‌های دینی است و وفق اصل اول و دوم قانون اساسی چهارچوب ارزشی حاکم بر نظام سیاسی ما تعیین شده که از آن جمله رعایت موازین شرعی است. وفق اصل چهل قانون اساسی آزادی نمی‌تواند وسیله اضرار به غیر باشد. همچنین قانون محدودیت‌هایی از باب تأمین امنیت، نظم و رفاه عمومی مشخص می‌نماید که آزادی مشروع در این مفاد، معنا می‌یابد.

۲-۵. اساسی‌سازی آزادی مشروع

قانون اساسی هنجارهای اساسی یک نظام حقوقی را مشخص می‌نماید؛ بنابراین می‌توان آزادی‌های مندرج در آن را به عنوان اصول بنیادین موردپذیرش آن نظام حقوقی دانست؛ اما این اصول می‌تواند در فرایند تقنین قوانین عادی، نیز فرایند اساسی‌سازی را طی نماید. لازم است اساسی‌سازی از خود قانون اساسی تمییز داده شود. این مفهوم گاه در معنای التزام به اصل قانون اساسی در چهارچوب اعمال کارگزاران حاکمیتی است و گاه در معنای نفوذ قواعد و اصول اساسی در پیکره نظام حقوقی است به نحوی که الزاماً دولت مکلف به احترام گذاشتن، حمایت‌کردن و اجرای آن‌ها شده و در صورت نقض آن توسط دولت، شهروندان حق طرح دعوی علیه دولت را خواهند داشت (دبیرنیا و جلیلی، ۱۴۰۳، ص. ۵۷۱).

با عنایت به پذیرش این موضوع که آزادی حق است و وسیله نیست و اینکه نظام

حقوقی یک ساختار متشکل، منسجم و دارای شفافیت کامل است؛ بنابراین آزادی‌های مندرج در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، آزادی مشروع تلقی می‌گردد. در خصوص اصل این آزادی نمی‌توان تردیدی حاصل نمود و یا مشروعیت آن را به چالش کشید.

وضع قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی با چنین عنوانی، قابل تأمل است چراکه آزادی مشروع حق افراد بوده و وضع قانون برای امر بدیهی همان ضرورت اساسی‌سازی حقوق می‌باشد که به آن اشاره شد. ازسوی دیگر علی‌رغم تصریح به آزادی مشروع در عنوان قانون در این قانون، آزادی مشروع تعریف نشده و یا به انواع آزادی‌های مشروع اشاره نشده است. ماده ۷ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴ نیز به عنوان ضمانت اجرا تصریح نموده که در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۵/۲/۱۳۸۳» از سوی تمام مقامات قضائی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم می‌شوند، مگر آنکه در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.

واقع امر آن است که مفاد این قانون، حقوق و آزادی‌های افراد در سیستم قضائی را مورد اشاره قرار داده و درواقع قانون به امنیت قضائی پرداخته است. ازجمله در این قانون توجه ویژه‌ای به قرار تأمین‌ها و بازداشت موقت، محکومیت‌ها، حق دفاع متهم، اصول تحقیقات و بازجویی و منع شکنجه مورد بررسی قرار گرفته است؛ بنابراین وجود این قانون به معنای تمرکز و تشکل تمام آزادی‌های مشروع در آن نیست و اساساً به نظر می‌رسد به دلیل اهمیت امنیت قضائی که بر اصل حریت اشخاص تأکید دارد، به این نام قانون گذاری صورت پذیرفته است.

نکته دیگر آن است که این قانون صرف امنیت قضائی را مشمول عنوان آزادی مشروع و حفظ حقوق شهروندی دانسته است و البته تعریف کلی در خصوص چیستی آزادی مشروع در همان سیستم قضائی نیز ارائه نداده است و به ذکر مصادیق بسنده نموده است. درحالی‌که این قانون نقش اساسی در خصوص مهم‌ترین بخش از

آزادی‌های مشروع داشته و اصل حریت را مورد هدف قرار داده؛ بنابراین تصریح به اصل و تعریف از آن ضروری بوده است. از چالش‌های مفهوم آزادی مشروع گریزی نیست و شاید، مقنن، منصرف از مباحث اساسی‌سازی قوانین و تبیین همجاری‌های قانون اساسی، سعی نموده، مصادیق را بیان نماید.

اما با عنایت به کلیات قوانین نظام حقوقی در ایران، نمی‌توان آزادی مشروع را صرفاً در دادرسی کیفری خلاصه نمود و تمام آنچه به‌عنوان آزادی در قانون اساسی، قوانین عادی اعم از تقنین داخلی و تصویب اسناد بین‌المللی، رویه قضائی و احکام حکومتی درج شود، آزادی مشروع تلقی می‌گردد. در این میان لازم به ذکر می‌باشد که طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد؛ بنابراین رویه قضائی حاصل شده بر مبنای منابع و فتاوی فقهی، که به‌عنوان منابع فرعی حقوق، استفاده می‌شود نیز نقش اساسی در حفظ آزادی‌های مشروع دارد چه آنکه فقه سیاسی شیعه بر اصل حریت تأکید نموده است.

منابع حقوق اصلی و فرعی در یک نظام حقوقی، شامل قانون، عرف، رویه قضائی، دکترین، اعمال حقوقی، قواعد حقوقی و اصول کلی حقوقی درمجموع می‌توانند به تبیین یک مفهوم حقوقی، اعم از اصل وجود، تعریف، محدوده و تأثیر آن کمک نمایند. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، اصل آزادی‌های مشروع به شرح مندرج در قانون اساسی اعلام شده است؛ به‌عنوان مثال نمی‌توان در خصوص منع شکنجه و یا اصل تجمعات قانونی و یا حقوق زنان به‌عنوان آزادی مشروع تشکیکی حاصل نمود. این مفاهیم ابزار رسیدن به هدف نیستند که بتوان با ابزار دیگری آن را جایگزین نمود بلکه خود اصل حق بوده و قابل حذف نیستند. درعین حال مفهوم حق و تکلیف اعم از تکلیف دارنده حق در برابر خود و تکلیف در برابر دیگران نیز دارای اهمیت است و به نظر می‌رسد چالش در بحث آزادی مشروع در خصوص همین موضوع حق و تکلیف است. تبیین موضوع حق و تکلیف و تبیین مفهوم مشروعیت آزادی را می‌توان در زمان تعارض و یا تراحم آزادی‌ها به نحوی حل و فصل نمود که باز هم قانون اساسی و به‌ویژه اصل ۴۰ در خصوص منع اضرار به غیر حاکم باشد. تقنین عادی قوانین و سایر منابع

حقوق در این زمینه یاری‌رسان هستند که البته تمام این منابع در چهارچوب یک نظام حقوقی متشکل و با رعایت اصول پیش گفته است.

نتیجه‌گیری

هر آزادی که در نظام حقوقی ایران از آن یاد شده است، آزادی مشروع است و بحث اصلی در خصوص چیستی این آزادی مشروع است و موضوع منصرف از حدود آزادی و تأمل در آزادی‌ها در نظام حقوقی ایران بوده است. درواقع هرآنچه قانون از آن به‌عنوان آزادی یاد نموده، مشروع است؛ یعنی هم سازگار با قانون است و هم در حصار قانون نگهداری می‌شود. نظام حقوقی نیز بخشی از مناسبات اجتماعی است که این امر مستلزم تنظیم است که به اشکال مختلفی صورت می‌گیرد و ازجمله آن نظام اخلاقی، آداب و رسوم، نظام دینی و مذهبی و نظام حقوقی می‌باشد. تفاوت نظام حقوقی با سایر نظام‌ها این است که این نظام مبتنی بر اقتدار حکومت است. نظام حقوقی در جمهوری اسلامی، نظام حقوقی نوشته‌ای است که عنصر اصلی آن قوانین است. به‌طورکلی منابع حقوق شامل قانون، عرف، رویه قضائی، دکترین، اعمال حقوقی، قواعد حقوقی و اصول کلی حقوقی می‌باشد؛ البته نظام حقوق نوشته در موارد سکوت قانون، منابع فرعی مانند عرف و رویه قضائی هم بهره می‌گیرد؛ اما نه آنچنان‌که نظام‌های حقوقی غیرمکتوب یا عرفی از آن‌ها بهره می‌جویند. تبیین موضوع حق و تکلیف و تبیین مفهوم مشروعیت آزادی را می‌توان در زمان تعارض و یا تزامن آزادی‌ها به نحوی حل و فصل نمود که باز هم قانون اساسی و به‌ویژه اصل ۴۰ در خصوص منع اضرار به غیر حاکم باشد. تقنین عادی قوانین و سایر منابع حقوق در این زمینه یاری‌رسان هستند که البته تمام این منابع در چهارچوب یک نظام حقوقی متشکل و با رعایت اصول پیش گفته ازجمله، اصالت حق آزادی می‌باشد. آزادی مشروع در ایران مبتنی بر چهارچوب‌های قانون اساسی و اساسی‌سازی مفاهیم قانون اساسی از طریق تقنین عادی است.

کتابنامه

- آیین دادرسی کیفری.
- اعزازی، محمدرضا و احمدی‌فر، علی (۱۴۰۲). تضمین حقوق بشر و آزادی‌های مشروع در فرایند دادرسی کیفری. فصلنامه قضاوت، ۲۳(۱۱۳)، ۷۳-۹۳.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه نور. جلد ۱۰، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جعفری، محمدحسین و بنادکیان، فاطمه (۱۴۰۱). تحلیل نظری مبانی حفظ حقوق شهروندی و احترام به آزادی‌های مشروع در قانون. مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۸(۴)، ۳۲۱-۳۵۴.
- جلیل‌فر، محمد؛ کاوه پیش‌قدم، محمد کاظم و حقیقت، حمیدرضا (۱۴۰۳). مقایسه مفهوم آزادی از نظر آیت‌الله نائینی و کارل پوپر. فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی/انقلاب اسلامی، سال پنجم، ۱(۱۷)، ۳۲۳-۳۴۵.
- دبیرنیا، علیرضا و جلیلی، آیت‌اله (۱۴۰۳). تأملی بر نظریه اساسی‌سازی حقوق اداری. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۵۴(۱)، ۵۶۷-۵۸۹.
- عسگری، احسان (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی مفهوم آزادی در اندیشه امام خمینی و اندیشه غرب. فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، ۳۰(۳)، ۷۵-۹۸.
- غمامی، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۷). الگوی احیای حقوق عامه با تحول در نظام هنجارها و ساختارهای قضایی. حقوق اسلامی، ۱۵(۵۸)، ۷۱-۹۲.
- فارسی، جلال‌الدین (۱۳۸۲). مفهوم و واقعیت آزادی، زمانه، شماره ۱۰، قابل دسترس در: <https://ensani.ir/fa/article>
- فیرحی، داوود (۱۳۹۰). فقه و سیاست در ایران معاصر، فقه سیاسی و فقه مشروطه. تهران: نشر نی.
- قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴). کلیات حقوق نظریه عمومی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- محمدی، سبحان؛ رحیمی روشن، حسن و حاتمی، حمیدرضا (۱۴۰۳). دوگانه قدرت - حقوق در روابط بین‌الملل، چالش حق در برابر تکلیف. فصلنامه مطالعات

بین‌المللی، ۲۱(۱)، ۱۴۳-۱۶۱.

مشکات، محمد و فاضلی، محسن (۱۳۹۳). بررسی انتقادی مفهوم آزادی از نظر آیزایا برلین، غرب‌شناسی بنیادی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۵(۲)، ۱۰۵-۱۳۵.

Illarionov, Andrei (2012). Conditions for Freedom A Few Theses on the Theory of Freedom and on Creating an Index of Freedom, chapter six, www.freetheworld.com • www.fraserinstitute.org • Fraser Institute ©2012

Andersson, Emil (2022). Freedom, Equality, and Justifiability to All: Reinterpreting Liberal Legitimacy. *The Journal of Ethics*, (26), 591–612.

References

- Andersson, Emil (2022). Freedom, Equality, and Justifiability to All: Reinterpreting Liberal Legitimacy, *The Journal of Ethics*, (26), 591–612.
- Asgari, Ehsan (2021). A Comparative Study of the Concept of Freedom in the Thought of Imam Khomeini and Western Thought. *Political Thought in Islam*, (30), 75–98. (In Persian)
- Constitution of the Islamic Republic of Iran. (In Persian)
- Criminal Procedure Law. (In Persian)
- Dabirnia, Alireza & Jalili, Ayatollah (2024). A Reflection on the Theory of the Constitutionalization of Administrative Law. *Quarterly Journal of Public Law Studies*, 54(1), 567–589. (In Persian)
- Ezzarazi, Mohammad Reza & Ahmadi Far, Ali (2023). Guaranteeing Human Rights and Legitimate Freedoms in the Criminal Justice Process. *Judiciary Quarterly*, 23(113), 73–93. (In Persian)
- Farsi, Jalaeddin (2003). The Concept and Reality of Freedom. *Zamaneh*, (10). Available at: <https://ensani.ir/fa/article> (In Persian)
- Feirahi, Davood (2011). *Jurisprudence and Politics in Contemporary Iran: Political Jurisprudence and Constitutional Jurisprudence*. Tehran: Ney Publishing. (In Persian)
- Ghamami, Seyyed Mohammad Mehdi (2018). A Model for Reviving Public Rights through Transformation in the System of Norms and Judicial Structures. *Islamic Law*, 15(58), 71–92. (In Persian)
- Illarionov, Andre (2012). Conditions for Freedom A Few Theses on the Theory of Freedom and on Creating an Index of Freedom, chapter six, www.freetheworld.com • www.fraserinstitute.org • Fraser Institute ©2012
- Jafari, Mohammad Hossein & Benadkian, Fatemeh (2022). A Theoretical Analysis of the Foundations of Protecting Citizens' Rights and Respecting Legitimate Freedoms in Law. *Political Science, Law and Jurisprudence Studies*, 8(4), 321–354. (In Persian)
- Jalilfar, Mohammad; Kaveh Pishghadam, Mohammad Kazem & Haghighat,

- Hamid Reza (2024). A Comparison of the Concept of Freedom in the Thought of Ayatollah Naini and Karl Popper. *Scientific Quarterly Journal of Political Sociology of the Islamic Revolution*, 5(17), 323–345. (In Persian)
- Katouzian, Nasser (2015). *General Principles of Law: General Theory* (4th ed.). Tehran: Enteshar Joint Stock Company. (In Persian)
- Khomeini, Rohollah (2010). *Sahifeh-ye Noor* (Vol. 10). Tehran: Organization for Printing and Publishing, Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Persian)
- Law on Respect for Legitimate Freedoms and Preservation of Citizens' Rights. (In Persian)
- Mohammadi, Sobhan; Rahimi Roshan, Hassan & Hatami, Hamid Reza (2024). The Power–Law Dichotomy in International Relations: The Challenge of Rights versus Obligations. *Quarterly Journal of International Studies*, 21(1), 143–161. (In Persian)
- Moshkat, Mohammad & Fazeli, Mohsen (2014). A Critical Examination of Isaiah Berlin's Concept of Freedom. *Fundamental Western Studies*, Institute for Humanities and Cultural Studies, 5(2), 105–135. (In Persian)

